

موضوع: مسائل مستحدثه / تغییر جنسیت

جلسه پنجم، ۴ دی ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه جلسه گذشته

کم کم به پایان بحث اول تغییر جنسیت می‌رسیم. امام راحل قائل به جواز تغییر جنسیت بود، محقق خوئی تغییر جنسیت را جایز نمی‌دانست. ادله مجوزین را گفتیم. اولین دلیل محقق خوئی بر عدم جواز مصداق تغییر خلقت خداوند است و تغییر خلقت خدا حرام و کار شیطان است. «فلیغیرن خلق الله». «دلیل دوم: تشبه است. با اینکه همه روایات باب تشبه الرجال بالنساء است ضعیف هستند، ولی از مجموعه روایات این اطمینان حاصل می‌شود معصوم علیه السلام این مضمون را فرموده است. چون در منابع شیعی و اهل سنت رسیده است.

استاد: گفتیم تشبه زن به مرد یا برعکس گاه طبیعی است. مثلاً در صدا است هیچ کس این نوع تشبه را حرام ندانسته است.

نوع دوم با قصد تشبه نیست. مثلاً مرد دم پایی همسر خود را در خانه می‌پوشد یا زن عباى شوهر خود را برای گرم شدن روی کول خود می‌اندازد این نیز حرام نیست.

نوع سوم: واقعا مرد رفتار زنانه داشته باشد یا زن کاملاً قیافه مردانه برای خودش درست کند.

نوع چهارم: پیشرفت پزشکی به حدی برسد و فرمولی پیدا کنند که زن کاملاً تغییر هویت بدهد و مرد. نه تنها جسم بلکه جانش مردانه بشود و همچنین درباره مرد که زن تمام عیار بشود. جسم او مانند جسم زن بشود، سینه‌های او بیشتر از سینه یک زن بزرگ بشود و عشوہ گری‌های زنانه پیدا کند. این نوع از تغییر جنسیت حرام است یا حرام نیست؟ در این فرض تغییر موضوع شده است و تغییر حرام نیست مانند شخصی که در ماه رمضان خود را از حاضر تبدیل به مسافر می‌کند این نیز تغییر موضوع است و جایز است.

ان قلت: تغییر جنسیت قیاس به مسافر و حاضر شده است. قیاس باطل است.

قلت: قیاس منطقی باطل نیست. برخلاف قیاس فقهی که تمثیل منطقی و باطل است. به عبارت انتخاب موضوع به دست مکلف است چنانکه می‌تواند حاضر یا مسافر باشد ما نحن فیه از این قبیل است. حال در تغییر جنسیت مثلاً شخصی از مردانگی خود خسته شده می‌خواهد خود را تبدیل به زن کند و کذالک در زن؛ بنابراین این نوع تشبه نیست بلکه تبدیل موضوع است. و تنها اشکال و شبهه تغییر خلقت است مه پاسخ داده شد.

دلیل سوم: این دلیل در فقه رایج است و اختصاصی به اینجا ندارد. مذاق فقاقت می گوید تغییر جنسیت نباید جایز باشد به عبارت دیگر شارع این همه در باب فروج و دماء حساسیت دارد و ادله که در این باب رسیده گویای اهمیت مساله است. تغییر جنسیت ملازم با آن است که احتیاط بایسته رعایت نشود و مستلزم لمس و نظری که نباید، می شود. این با مذاق فقهی سازگاری ندارد. و آیه « قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن » بنابراین باید گفت تغییر جنسیت جایز نیست.

نقد: اینکه مذاق فقهی داریم یا نه محل اختلاف است یک قول می گوید مذاق فقهی نداریم و قول دیگر می گوید مذاق فقهی داریم و دلیل بر حکم شرعی است. به عبارت مذاق فقهی حکمی است که از کنار هم گذاشتن احکام مسلم کنار یکدیگر بدست می آید یعنی مذاق فقهی حکم می کند آنجا که پای فروج و دماء است نباید بی احتیاطی است و مذاق فقهی استخراج یک قاعده است و دلیل شرعی که قابل کبرای کلی بیان می شود. لکن مفروض ما در تغییر جنسیت حرام های دیگر نمی شود. در نتیجه با پذیرش مذاق فقهی دلیل بر عدم جواز تغییر جنسیت نمی شود. در این فرض تغییر جنسیت بدون محرّمات جنبی بررسی می شود. بنابراین این دلیل مستقل نیست بلکه بخاطر حواشی آن است.

نظر استاد: تا اینجا دلیل امام راحل که الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم بر مسند ننشست. و نیز دلیل محقق خویی بر مسند ننشست و تغییر خلقت و تشبه را نتواستیم تطبیق بر تغییر جنسیت کنم و نیز مذاق نتوانست دست ما را بگیرد بنابراین سراغ اصل حل و برائت مراجعه می کنیم. لکن چون پای نسل است و منه الولد و پای فرج است بنابراین باید احتیاط کرد. در نتیجه گر کسی بخواهد فتوا بدهد بگوید لادلیل علی حرمة تغییر الجنسة و ان كان الاحوط الذی لایترک ترک هذا؛ بگوید. در اینجا اصل حل و جواز را ثابت کرد ولی از تبصره های اصل برائت است و قائل به احتیاط وجوبی می شویم.

مساله بعدی درباره خنثی است. آیا جایز است خودش را راحت کند و ذکوریت یا انوئیت خود را مشخص کند